



مارکوپولوی ایران

« بابک نبی

عرفان فکری نامی آشنا برای طبیعت‌گردان و جهان‌گردان ایران و جهان است. به او لقب «مارکوپولوی ایران» هم می‌دهند. عرفان فکری سال‌های زیادی است که مشغول جهانگردی است و جهانگردی شغلش محسوب می‌شود. در این سفرها تجربه‌های حیرت‌آوری به دست آورده که در این گفت‌وگو بخشی از آن‌ها را با ما در میان گذاشته است.

زمانی که در دوران کودکی و نوجوانی هستی، ارزش این شیوه تربیت و اینکه بچه‌ها مستقل بار بیایند را زیاد درک نمی‌کنی. هرچه به جوانی نزدیک می‌شوی، متوجه می‌شوی که چقدر این روش تربیتی کمک کرده است تا تو نسبت به هم‌سن و سالانت کارهایی را انجام دهی که آن‌ها هنوز برای انجامشان به خانواده متکی هستند. هر قدر اعتمادبه‌نفس بیشتری پیدا می‌کنی، انجام کارهای بزرگ‌تری را در سر می‌پروانی. ذات سفر هم مخاطراتی را دارد که اگر اعتمادبه‌نفس لازم را نداشته باشی، نمی‌توان وارد آن شوی.

چون سفر چه تأثیری در کیفیت زندگی شما گذاشته است؟

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهایی سفر این است که در سفر شرایط مختلفی ایجاد می‌شود و این موضوع انعطاف و صبر فرد را خیلی زیاد می‌کند. هر سفر یک دانشگاه است و هر آدم و هر منظره، یک مسئله جدید به شما می‌آموزاند. با انعطاف‌پذیری ناملاپمات را بیشتر تحمل می‌کنی و با صبر و تلاش می‌کوشی موفقیت‌های بیشتری را در زندگی کسب کنی.

چون اولین سفر خارجی‌تان به کجا بود؟

اولین سفر حرفه‌ای‌ام ابتدا از ایران به نوار ساحلی شمالی ترکیه بود که تا استانبول رفتم و از نوار جنوبی برگشتم تا مرز سوریه. سپس سوریه را از شمال تا جنوب رفتم تا به شهر «بصری» رسیدم. سپس از دمشق به ایران بازگشتم.

چون خطرناک‌ترین سفر شما به کجا بوده است؟

خطرناک‌ترین سفر من در آبان ۱۳۹۳ به ۶۰ کیلومتری اقامتگاه داعش بود. آن زمان اوج حملات داعش بود و آوارگان سوری در شرایط بسیار وخیمی به سر می‌بردند. ۸۰۰ بچه در یک کمپ در منطقه‌ای بین «سلیمانیه» و «ارییل» عراق، از میان کوه‌های سوریه فرار کرده بودند. من به صورت انفرادی و بدون هیچ سلاحی از ایران با مقداری پول به آنجا رفتم و مقداری آب

چون از چه زمانی و چطور به سفر علاقه‌مند شدید؟

علاقه‌مندی من به طبیعت از پنج سالگی آغاز شد. از خانه به باغچه‌مان سفر می‌کردم، آتش درست می‌کردم و گل بازی می‌کردم. در دوران کودکی و نوجوانی در «لواسان» زندگی می‌کردیم و آنجا طبیعت زیبایی داشت. این طبیعت در علاقه‌مندی من بی‌تأثیر نبود. اولین قله‌ای که من به آن صعود کردم، قله «ورجین» در لواسان بود که سه هزار متر ارتفاع داشت. در نوجوانی سوارکاری، کوه‌نوردی و شنا می‌کردم که با طبیعت سر و کار داشتند. اولین سفرم بدون خانواده، سفر به شیراز بود. یعنی اولین تور من در ۱۵ سالگی بود که به شیراز سفر کردم. ۱۷ تا ۱۸ سال است که جهانگردی می‌کنم و تا الان ۲۵۰ سفر به ۶۵ کشور دنیا داشته‌ام.

چون خانواده چه نقشی در پرورش روحیه ماجراجویانه شما داشته است؟

من مدیون روش تربیتی پدر و مادرم هستم. وقتی بچه بودم، این موضوع را متوجه نمی‌شدم و گاهی حتی ناراحت می‌شدم. در کلاس سوم دبستان که بودم، پدرم برای من ۳۰ عدد جوجه خرید و یک کتاب «مرغ‌داری نوین» به من داد که ۳۰۰ صفحه بود. شروع کردم به پرورش این جوجه‌ها. ابتدا بعضی از جوجه‌ها تلف شدند و تعداد آن‌ها رسید به ۲۵ عدد. اما آن‌ها پرورش یافتند و مرغ تخم‌گذار شدند. با این تعداد، هفته‌ای دو شانه تخم مرغ رسمی محلی داشتم که آن‌ها را می‌فروختم. پول تو جیبی من از این کارها درمی‌آمد.

این روش تربیتی در آن زمان کمی برای من ناراحت‌کننده بود. خودم را با دوستانم مقایسه می‌کردم که چگونه من باید پول تو جیبی خودم را دربیآورم، در حالی که آن‌ها پول تو جیبی می‌گرفتند. اما این روش تربیتی مسئله اعتمادبه‌نفس را در من پرورش داد و حس اتکا به خود را در من تقویت کرد. البته از طرف والدینم کنترل از راه دور هم وجود داشت، اما من فکر می‌کردم که همه کارها را خودم به تنهایی انجام می‌دهم.





و غذا برای آن‌ها تهیه کردم. در آن سفر مرگ را به چشم دیدم، چون در فاصله کمی با داعش قرار داشتیم. خطرناک‌ترین سفر من این سفر بود.

اما خطرناک‌ترین سفر ورزشی‌ام سفر اکتشاف غار در شمال شرق هند در ایالت «مگالایا» بود. در این غار عنکبوت‌های بزرگی به نام عنکبوت سیاه و به اندازه کف دست بودند که می‌توانستند ظرف سه دقیقه انسان را از پا دریاورند. محققان فکر می‌کردند که نسل آن‌ها سال‌های پیش منقرض شده است، اما غار به قدری بکر بود که این عنکبوت‌ها سال‌ها در آن زندگی می‌کردند. سال ۱۳۸۸ به این سفر رفتیم و سال ۱۳۹۰، شبکه چهار صدا و سیما فیلم مرا از این سفر با نام «کاوش در تاریکی» پخش کرد. من این عنکبوت را در آن فیلم نشان داده‌ام که سیاه، پشمالو و دارای خال‌های زرد است. غارهای اکتشاف نشده حفره‌های فراوان کوچکی دارند که باید به زور از آن‌ها رد شد. در این حفره‌ها جانورانی مانند ماهی‌های کور یافت می‌شوند که سمی هستند. ماهی کور آن قدر در غار مانده که روی چشمش پوست درآمده است و دیگر نمی‌بیند. این ماهی‌ها بدنی سمی دارند و باید از میان آن‌ها با شنا بگذری تا غار را کشف کنی.

۱۷ سالگی در ون **یک سالی است که شیوه زندگی‌تان را به «ون لایف» (زندگی در ون) تغییر داده‌اید. از این موضوع کمی برایمان بگویید؟**

یکی از هدف‌های جهان‌گردان این است که همیشه در سفر باشند. من سال‌های زیادی در سفر بوده‌ام و هیچ شغل دیگری جز جهان‌گردی نداشته‌ام. البته خیلی‌ها نمی‌دانند که جهان‌گردی خودش یک شغل است. چون همیشه در سفر بودم، تصمیم گرفتم خودروپی بخرم، صندلی‌هایش را برداشتم، و لوازم سفر را در آن گذاشتم. من اصلاً نمی‌توانم یک جا بمانم. وقتی زیاد سفر می‌کنی، سبک زندگی‌ات طوری می‌شود که دو سه روز نمی‌توانی در یک جا بمانی. آپارتمان برای من مانند زندان است. برای من که در جنگل‌های آمازون، قبایل آفریقا و بسیاری جاهای دیگر بوده‌ام، یک جا ماندن بسیار سخت است. خیلی‌ها که به صورت حرفه‌ای سفر می‌کنند، آخرش به این پرسش می‌رسند که: چه کنیم تا همیشه سفر کنیم؟ یکی از راه‌های رسیدن به این آرزو، ون لایف است. یک سالی است که من به این هدفم رسیده‌ام.

۱۷ محبوب‌ترین مقاصد گردشگری کدام‌ها هستند؟

سؤال سختی است، چرا که به عقیده من، هر جایی جذابیت خودش را دارد. نمی‌توان برای همه افراد نسخه واحدی پیچید. هر کسی سلیقه خود را دارد و انتخاب نیز برای من خیلی سخت است. چرا که ۲۵۰ سفر انجام داده‌ام و در هر سفری یک نقطه را دیده‌ام و از آن لذت برده‌ام. من ده‌ها بار به کویر «مرنجاب» رفته‌ام، اما هر بار از یک چیز آن لذت برده‌ام. خیلی مهم نیست که به کدام نقطه ایران یا خارج از آن می‌روی، خاطره‌ای که از سفر ساخته می‌شود، جذاب است و هر جای ایران جذابیت خود را دارد.

۱۷ دورنما و برنامه‌تان برای یک سال آینده چیست؟

هیچ وقت همه چیز در دنیا ثابت نیست و این روزها هم می‌گذرند. در هر شرایطی، حتی شرایط تهدید کرونا، می‌توان یاد گرفت که بهترین لذت را برد. برنامه من بعد از عادی شدن شرایط، سفر جهان‌گردی یک ساله به چند کشور آمریکای جنوبی با ون است. برزیل را قبلاً دیده‌ام و می‌خواهم بقیه کشورهای آمریکای جنوبی را با ون خودم بگردم. بیش از یک سال است که برای این کار برنامه‌ریزی می‌کنم.

۱۷ چه توصیه‌ای برای بچه‌ها دارید و چگونه می‌توانند سفر را آغاز کنند؟

مهم‌ترین موضوع برای شروع سفر این است که مهارت‌های لازم برای سفر را یاد بگیرند. این مهارت‌ها می‌توانند شامل مهارت‌های کاربردی عملی در سفر، مهارت‌های برنامه‌ریزی و غیره باشند که بسیار هم گسترده‌اند. اما هرچه مهارت‌های سفر را پیش از سفر بهتر یاد بگیرند، هم سفر حرفه‌ای‌تری دارند و هم سفر ارزان‌تری. کلاس‌های آموزشی که در آن‌ها، مدرسان گردشگری، سفر ارزان، سفر همراه با کسب درآمد، ترفندهای طبیعت‌گردی، آشپزی در طبیعت، و غیره را آموزش می‌دهند، می‌توانند برای آمادگی پیش از سفر بسیار مفید و کاربردی باشند. هر قدر مهارت‌های سفر را بیشتر یاد بگیرید، سفر حرفه‌ای‌تری از هر نظر خواهید داشت. آموزش، تحقیق، مشاوره، و یادگیری مهارت‌های سفر پیش از سفر، بسیار اهمیت دارند.

